

## کارکرد زبان در ادبیات کودک (۶)

مورای ناولز، کرستن مامجر  
شهرام اقبال زاده (رازاور)



همان گونه که پیش تر، از نوشته باربارا وال، در سال ۱۹۹۱ دریافتیم، دغدغه او پی بردن به چگونگی انتقال «پیام» بین گوینده و مخاطب بود؛ یعنی شناختن داده یا روش انتقال «پیام». از نظرم، کل متن، سرپس پیام است. ما با متن هم به عنوان ترتیب زمانی رویدادها (همان چیزی که فرمالیست‌های روس «فابولا» fabula می‌نامند و کمابیش با اصطلاح چاتمن، یعنی داستان story نزدیک است) و هم شیوه‌ای که داستان از آن طریق قالب‌ریزی می‌شود، سروکار داریم (یعنی گفتمان discourse). به عبارتی، با شخصیت‌ها و فضاهایی که به خواننده نمایانده می‌شود، روبه‌رویم (مراجعه شود به نوشته چاتمن در سال ۱۹۷۸).

صفحات ۱۹-۲۰) و این‌ها همه، هنگامی که یک نویسنده به حرفه روایتگری داستان مشغول است، سروسامان می‌گیرد. ما در بحث‌ها و توصیف‌های آتی خود، پیش از آن که با نظریه‌های مربوط به نحوه روایت سروکار داشته باشیم. به نکات دستوری و شیوه‌های گزینش واژگانی که نویسنده برمی‌گزیند تا شخصیت‌ها، روابط‌شان و صحنه‌پردازی‌ها را ترسیم و تصویر کند، خواهیم پرداخت. شرح تفصیلی و نظام‌توصیفی ما و اندیشه نهفته در آن را در فصل بعد ملاحظه خواهید کرد. در این جا فقط به این اشاره بسنده می‌کنیم که اثر «ام. ای. کی هالییدی M.A.K. Halliday درباره ناپایداری و نحوه بیان و باز نمودن [موقعیت] شرکت‌کنندگان و هر چیزی که [در داستان] نقشی ایفا می‌کند، نسبت به یکدیگر در وضعیت‌های گوناگون، برای توصیف [جایگاه و کارکرد] «نویسندگان»، «چشم‌اندازها و بینش افراد نسبت به جهان»، دارای اهمیت اساسی است (اثر هالییدی، چاپ ۱۹۸۵، صفحات ۱۵۷-۱۰۱ را ببینید). ما کانون توجه خود را بر نحوه گزینش واژگان [قاموس واژگانی] و این که شخصیت‌ها [اصولی] چرا بدان صورت وصف شده‌اند و نه بدین صورت و چند و چون این امر، قرار خواهیم داد و به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که در نحوه بیان و باز نمودن اعمال و افکار، چرا اشکال و افعال خاصی انتخاب شده و به چه دلیل از سایر فعل‌ها استفاده نشده است. همان‌گونه که «Toolan» در سال ۱۹۸۸ نوشته است، ما از طریق انتخاب‌های قابل دسترس خود، «به بینش خود نسبت به واقعیت تشخیص می‌بخشیم».

هنگامی که ما پیش‌تر از «آسانی و روانی توصیف‌های زبانی» سخن رانیدیم، منظورمان آن بود که نهاد نام‌گذاری، فهرستی از اقلام [قاموس] واژگان گره‌گشا را در اختیار ما قرار می‌دهد. ما اخیراً شماری از متن‌ها را برای تدوین برنامه رایانه‌ای خود، درباره ادبیات کودک برگزیده‌ایم که در واقع، پیکره زبانی تألیف جدیدمان را در زمینه ادبیات کودکان تشکیل می‌دهد. از آن جا که همه تحلیل‌های ما متکی به تکنیک‌های رایانه‌ای نیست، از این اعتقاد دفاع می‌کنیم که استفاده از خط‌های همخوان [سطرهای هماهنگ و یا همانند concordance lines و به بیانی دیگر، کاربرد عبارات مشابه م] خود نشان‌دهنده چگونگی گزینش نوع واژگان و برگرفتن آن‌ها از محیط واژگانی است. بدین ترتیب، مجموعه واژگان، همراه و در کنار کلید واژه‌هایی هم‌چون «دوستی» در دستیابی به نتیجه‌گیری‌هایی [درست] درباره چگونگی پیوند بین واژگان در متن، از ارزشی شایان توجه و بسیار مهم برخوردار است. ما این امر را با تفصیل بیشتری در فصل دوم بررسی خواهیم کرد و در پایان این مبحث، از روش «میکروکانکورد Microconcord»<sup>۲</sup> [خرده مطابقت] مطروحه توسط ام. اسکات و جانز (M. Scott and Johns)، در سال ۱۹۹۳، استفاده کرده‌ایم؛ یعنی از برنامه نرم‌افزاری رایانه‌ای که برای تحقیق‌های گسترده

و حجم عظیمی از متن‌ها طراحی شده تا بتواند میزان کاربرد این یا آن واژه و یا به طور کلی، واژگان به کار رفته در سطرهای همخوان [یا عبارات همانند] را بیابد و شمار آن‌ها را به دست دهد. بدین ترتیب اطلاعات مربوط به چگونگی ترکیب یک واژه با سایر واژگان یا اصطلاحاً ویژگی‌های با هم‌آیی [Collocational properties] هر قلم واژگانی، روشن می‌شود و به گفته «کارتز Carter» در سال ۱۹۸۷، مشخص می‌شود که «هر واژه چگونه با واژگان دیگر هم‌نشین و همراه می‌شود» [محور هم‌نشینی، رازآور].

از این گذشته ما در فصل سوم، به موقع خود و به تناسب بحث، مقایسه‌ای با بانک‌های اطلاعاتی [پایگاه‌های اطلاعاتی databases] به مراتب بزرگ‌تر به عمل آورده‌ایم تا بتوانیم دریابیم چگونه واژگان در عمل و در بطن واقعیت یا بافت [اجتماعی و فرهنگی] به کار گرفته می‌شوند و احیاناً کاربرد آن دچار چه تغییرات و تحولاتی شده است.<sup>۳</sup> درباره زبان انگلیسی [رایج] در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، در این جا بد نیست که به «مجموعه متن‌های انگلیسی بیرمنگام BCOET» [Birmingham Collection of English Texts] اشاره شود که خود یک پیکره یا مجموعه زبانی «COBUILD یا هم‌ساخت»<sup>۴</sup> را تشکیل می‌دهند.

هفت) میلیون واژه، استوار کرده و زمینه را برای بررسی و واری گسترده‌تر قاموس واژگانی، در بطن محیط طبیعی و عادی آماده ساخته است؛ یعنی مطالعه واژگان، همان‌گونه که در عمل به کار می‌روند. ما، به طور اخص، به بخش کتاب‌های بریتانیایی این مجموعه علاقه‌مند بوده‌ایم؛ یعنی چیزی در حدود ۲۳ میلیون واژه که خود ۱۲۸ (یکصد و بیست و هشت) کتاب عامه‌پسند منتشره پس از سال ۱۹۸۵ را در برمی‌گیرد که عمدتاً داستان‌های جنایی بوده‌اند.

برای بررسی نحوه کاربرد واژگان در سده نوزدهم، ما توجه خود را به «فرهنگ انگلیسی آکسفورد Oxford English Dictionary» معطوف کرده‌ایم (نسخه فشرده آن). این ما را قادر می‌سازد تا هنگام بررسی داستان‌های سنتی جوانان، به نحو بایسته‌ای، توجه خود را بر چگونگی کاربرد واژگان در قرن نوزدهم بر بستر اجتماعی و بافت تاریخی خود، متمرکز کنیم.

برای گزینش متن‌های مورد نظر برای مطالعات مان، این واقعیت رهنمون ما بود که خواست ما آن بوده که تا آن‌جا که مقدور است متن‌هایی را برگزینیم که نمایانگر سنت‌هایی باشد که ما در این فصل به آن پرداخته‌ایم. ما در بحث‌های خود درباره سرشت و چگونگی تکامل ادبیاتی که برای کودکان نوشته شده، چند بار، به بررسی سالمون Salmon،

## ادوارد سالمون Edward Salmon، کتاب «ادبیات نوجوانان Juvenile Literature»، خود را در سال ۱۸۸۸ منتشر کرد تا وضعیت ادبیات نوجوانان را به همان صورت که در آن مقطع بود، بازگو کند. او خود با دقت، هدف خود را از انجام این کار، چنین بیان می‌کند: «دادن تصویری همه جانبه از دلمشغولی‌های ذهنی و آنچه از نظر اخلاقی برای نسل نواخته، خوشبختی به شمار می‌آید... در واقع، آن را برای دختران و پسران همین نسل در حال رشد نوشته‌ام»

در سال ۱۸۸۸ و نوشته‌های ناولز، سال‌های ۹۰-۱۸۹۸ استاد کرده‌ایم. این موارد بسیار آموزنده و هم‌چنین مؤثر بوده‌اند؛ هرچند تنها اصول راهنمای ما برای گزینش و یا تحلیل متون نبوده‌اند. در این جا بایسته است گفته‌اید که هر جا به پژوهش‌های یادشده استناد نموده‌ایم، کما بیش با تفصیل بیشتری به شرح و بسط یافته‌های آن‌ها دست یازیده‌ایم.

ادوارد سالمون Edward Salmon، کتاب «ادبیات نوجوانان Juvenile Literature»، خود را در سال ۱۸۸۸ منتشر کرد تا وضعیت ادبیات نوجوانان را به همان صورت که در آن مقطع بود، بازگو کند. او خود با دقت، هدف خود را از انجام این کار، چنین بیان می‌کند: «دادن تصویری همه جانبه از دلمشغولی‌های ذهنی و آنچه از نظر اخلاقی برای نسل نواخته، خوشبختی به شمار می‌آید... در واقع، آن را برای دختران و پسران همین نسل در حال رشد نوشته‌ام»

این مجموعه یا پیکره که به صورت طبیعی پدید آمده، داده‌های بسیار مناسبی برای فرهنگ نگاران فراهم کرد؛ یعنی یک پایگاه اطلاعاتی با واژگانی در حدود ۲۰ میلیون که گستره وسیعی از گنجینه زبان گفتاری و نوشتاری را در برمی‌گیرد. ما مثال‌هایی را از «فرهنگ زبان انگلیسی هم‌ساخت COBUILD English Language Dictionary» این کتاب فراهم آورده‌ایم. بی‌گمان این فرهنگ، در تاریخ نشر فرهنگ‌نگاری اثری است سنت‌شکنانه.

ما هم چنین، به مجموعه‌ای جدید، مثل «بانک [زبان] انگلیسی، هارپر کالینز / دانشگاه بیرمنگام Harper Collins/Birmingham University» در کتاب خود، استناد کرده‌ایم. به عنوان نمونه از چگونگی کاربرد [زبان یا واژگان] در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سخن گفته‌ایم. این مجموعه در زمان مطالعه ما، بنای خود را بر حدود ۱۶۷ (یک صد و شصت و

(صفحه ۹. کتاب «ادبیات نوجوانان»، سال ۱۸۸۸).

فصل آغازین کتاب، به قلم چارلز ولش Charles Welsh، تحقیقی است که در سال ۱۹۸۴، درباره عادات خوانش [نوجوانان] صورت گرفته است. ولش «پرسشنامه‌ای به بسیاری از مدارس ارسال کرد که در آن، پرسش‌های گوناگونی از دختران و پسران به عمل آمده بود؛ پرسش‌هایی مانند «نویسنده محبوب شما کیست؟»، «محبوب‌ترین داستان‌نویس تو چه کسی است؟»، «کدام یک از کتاب‌های او را بیشتر دوست داری؟» (همان منبع صفحه ۱۳) دست کم دوازده پرسش از این دست مطرح شده بود. نزدیک به دو هزار پاسخ از دختران و پسران یازده تا نوزده ساله دریافت گردید. پاسخ‌ها از مدارس گوناگون و با وضعیت اجتماعی متفاوت بود. سپس پاسخ‌ها براساس جنسیت طبقه‌بندی شد. هفت صد و نود پاسخ از پسران دریافت شده بود. در حالی که برخی از آثار ادبی که آشکارا در زمان خود برای بزرگسالان نگاشته شده، امروزه جزو داستان نوجوانان محسوب می‌شود. (و جالب آن که آثار دیکنز، اولین انتخاب و نوشته‌های سروالتر اسکات، سومین انتخاب نوجوانان بود. ما چنین عناوین ماندگاری را تحت عنوان داستان‌های قدیمی [سنتی traditional] نوجوانان طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ داستان‌هایی که دارای دو بال به هم پیوسته هستند. به عبارتی، داستان‌های حادثه‌ای و داستان‌های آموزشی مدرسه‌ای (school.story) دابلیو.اچ.جی. کینگستون W.H.G.kingston. عنوان نویسنده محبوب پسران نوجوان را به خود اختصاص داده و با مجموع آرای ۱۷۹ (یک صد و هفتاد و نه) رأی در مجموع نیز در جای دوم ایستاده است. کپتین ماریات captain Maryat، دومین نویسنده محبوب پسران و در مجموعه با ۱۰۲ (یکصد و دو) رأی، نفر پنجم شده بوده، در حالی که آر.ام. بالانتین R.M. Ballantin، نفر سوم برای پسران و در مجموع آرای دختران و پسران نفر ششم بود. جی.ای. هنری G.A.Henri و توماس هیوز Tomas Hughes (نویسنده «دوران مدرسه تام براون»)، هریک فقط یک رأی داشتند. در بخش نظرسنجی درباره کتاب‌ها «رابینسون کروزو»، به عنوان کتاب نخست، ۴۳ رأی را به خود اختصاص داد و «خانواده رابینسون» نیز در جای دوم ایستاد.

البته، این چندان اهمیت ندارد. ما در تحلیل‌های بعدی خود، به متن‌هایی که بدواً برای بچه‌ها نوشته نشده‌اند، توجهی نکرده‌ایم؛ متن‌هایی که محبوبیت و نفوذ جهانی آن‌ها در بین خوانندگان جوان، عمدتاً از طریق تلخیص صورت گرفته است. (نوشته کار پنترو ریچارد را در سال ۱۹۸۴، صفحات ۸-۴۵۷ را ملاحظه کنید). به طور کلی آثار خلاصه شده، مدنظرمان نبوده است، اما تأثیر پر دامنه و اهمیت بسیار زیاد اثر دفو Defoe را که به نوعی برای ادبیات کودک الهام‌بخش بوده، بیشتر یادآوری کرده‌ایم. «خانواده

رابینسون» سوپس، در اصل به انگلیسی نگاشته شده و در واقع «بعدها توسط مترجم و ویراستار شرح و بسط یافته است» (به صفحه ۵۱۰، منبع پیشین مراجعه شود) با وجود این، بار دیگر ضروری است که تأثیر و نفوذ این اثر را بر سنت‌ها یادآوری کنیم. در نظرسنجی به عمل آمده از میان کتاب‌های کودک و نوجوان انگلیسی، «سالنامه پسران the Boys own Annual» با ۱۷ رأی جای اول را داشت و در مجموع تمام کتاب‌ها، جای پنجم را اشغال کرده بود. این سالنامه، مجموعه نوشته‌های خود پسران را در برمی‌گرفت که شامل داستان‌های حادثه‌ای و یا آموزشی بود که از جمله آن‌ها نوشته‌های هنتی است. مجله «بی. ا. پی. B.O.P.» مجله محبوب اکثریت قاطع پسران پاسخ‌دهنده اهل ویلز بود (۴۰۴ رأی) و هنتی یکی از نویسندگانی بود که به صورت مستمر و مبسوط نوشته‌های خود را در آن مجله ارائه می‌کرد. (صفحه ۲۳۶، کتاب ایوری Avery، منتشر شده در سال ۱۹۶۵ را ببینید). او [هنتی] یکی از پدید آورندگان و دبیران مجله «یونیون جک the union Jack» هم بود که از نظر پاسخ‌دهندگان، چهارمین مجله دلخواه آن‌ها به شمار می‌رفت.

دومین و سومین نشریه محبوب خوانندگان جوان، نشریاتی بود که به حوزه بزرگسالان تعلق داشت. داستان «دوران مدرسه تام براون» دومین کتاب محبوب بچه‌ها بود با ۱۵ رأی، به شرط آن که «نقطه مقابل آنستی Anstey viceversa» را نادیده بگیریم. داستان نارا «بارگاه قدیس وینیفرد S.t.winfred's» با ۱۱ رأی، در مرتبه سوم جای گرفت. پس از آن، داستان «سه نوابان سوم ییا» سه دانش‌جوی نیروی دریایی the three Midsipmam» با ۸ رأی قرار داشت.

سالمون Salmon هیچ‌گونه توضیحی درباره فقدان پیوند تنگاتنگ و دوسویه بین نویسندگان [مؤلفان] محبوب و کتاب‌های محبوب، ارائه نمی‌کند. آمارهای ارائه شده برای مورد پیشین، مبتنی بر پاسخ به دو پرسش از سه پرسش نقل شده در بالاست؛ گرچه طبق تفسیر سالمون، وجه تمایز بین آن‌ها «نسبتاً ظریف» است (به نقل از نوشته سالمون ۱۸۸۸، صفحه ۱۴)، او به هیچ وجه وارد جزئیات نمی‌شود. شمار پاسخ‌های دختران، بیش از ۱۰۰۰ پاسخ را در بر می‌گرفت و همانند پسران، دیکنز به عنوان محبوب‌ترین نویسنده ذکر شده بود با ۳۵۵ رأی و سروالتر اسکات با ۲۴۸ رأی و چارلز کینگزلی charles kingsley با ۱۰۳ رأی، جای دوم و سوم را در مجموع به خود اختصاص داده بودند. همان‌گونه که پیشتر گفته آمد، این موضوع همان قدر جالب است که داستان «هی به سوی غرب Ho!westward» با ۳۴ رأی در کنار داستان «ایوانهو Ivanhoo» نوشته اسکات با ۱۸ رأی جز داستان‌های برگزیده محبوب، قرار گرفته و رتبه هشتم را حائز شده بود (این

داستان پنجمین داستان دلخواه پسران بود). در حالی که هر دو کتاب در اصل برای بزرگسالان نوشته شده بودند، اما به صورت گسترده‌ای مورد استقبال بچه‌ها قرار گرفته‌اند و بچه‌ها آن‌ها را به عنوان کتاب‌های محبوب خود می‌خوانند، کتاب‌هایی که جز داستان‌های حادثه‌ای تاریخی به شمار آمده و به درستی نشان‌دهنده آن است که این نوع داستانی تا چه حد از نظر خوانندگان دلپسند و محبوب است. از نویسندگان کودک [و نوجوان] شارلوت یانگ Charlott young با ۱۰۰ رأی، هانس کریستین آندرسن با ۲۳ رأی، ای.ال.آی. A.L.O.E (بانوی انگلستان با نام مستعار [تخلص] شارلوت ماریا تاکر charlot Maria Tucker ۱۸۲۱-۹۳ میلادی) در جای اول، دوم و سوم بنابر آرای خوانندگان جوان ویلز و در مجموع نیز در جای چهارم، یازدهم و دوازدهم، قرار گرفته بودند. فهرست کتاب‌های محبوب نیز بدین قرار بود: «زنان کوچک women Little» با ۲۱ رأی، که البته در جمع آرا جای هفتم را داشت و داستان «دیزی چین Disy [زنجیره گل‌های مینا؛ دایره مینایی؟] نوشته یانگ با ۱۳ رأی و «سیرات رادکلیف Radcliffe the Heir of» با ۱۲ رأی در مجموع جای دهم و یازدهم را به خود اختصاص داده بودند، گرچه مورد آخر را با تأمل و تردید باید گفت، کتابی است که برای بزرگسالان نوشته شده است. کینگستون، بالانتین Ballantyne و مادیات به صورت روشنی «مقاله‌های خود پسران» به شمار قرار گرفتند. برادران گریم با ۲۰ رأی و لوئیس کارول با ۵ رأی، از نویسندگان محبوب پاسخ‌دهندگان دختر بودند.

ناولز، در سال ۱۹۰-۱۹۸۹، مطالعاتی مقدماتی را برای تهیه مجموعه داستانی مدرن برای کودکان را سامان داد که قبلاً بدان اشاره شد. او پیش از آن، مجموعه‌ای از داستان‌های دوره ویکتوریا فراهم آورده بود که بر پژوهش سالمون استوار بود. این مجموعه، بالغ بر ۷۶۰/۰۰۰ (هفت صد و شصت هزار) واژه می‌شد.

مدارس و آموزشگاه‌هایی که پرسشنامه‌ها برای آن‌ها ارسال شده بود، دوره ابتدایی و متوسطه را در بر می‌گرفتند. البته، شش مؤسسه عالی و دانشکده نیز در میان آن‌ها دیده می‌شد. دوره متوسطه خود شامل دبیرستان جامع، دوره راهنمایی، مدارس خصوصی و مدارس دولتی می‌شد. در آغاز، هفت صد و پنجاه پرسشنامه ارسال شد و بقیه پرسشنامه‌ها، به تدریج و ظرف یک سالی که این بررسی در حال انجام بود، ارسال می‌شد. در پرسشنامه‌های جدید، کوشش بر آن بود تا نویسندگان جدیدی که در پایان قرن ظهور کرده و یا از طریق برگردان متن‌های شان به صورت نمایش تلویزیونی، محبوب شده بودند نیز مدنظر قرار گیرند. از این رو، یک ساله ۱۹۸۹-۹۰ را باید مرحله اول طرح در حال پیشرفتی دید که درصدد گردآوری مجموعه

داستان‌های مدرن و استخوان‌بندی تحقیق کنونی ما بوده که پیشتر نیز بدان اشاره شد. مبتنی بر آن بررسی است. این طرح بالغ بر ۷۵۰/۰۰۰ (هفت صد و پنجاه هزار) واژه‌ها در برمی‌گیرد.

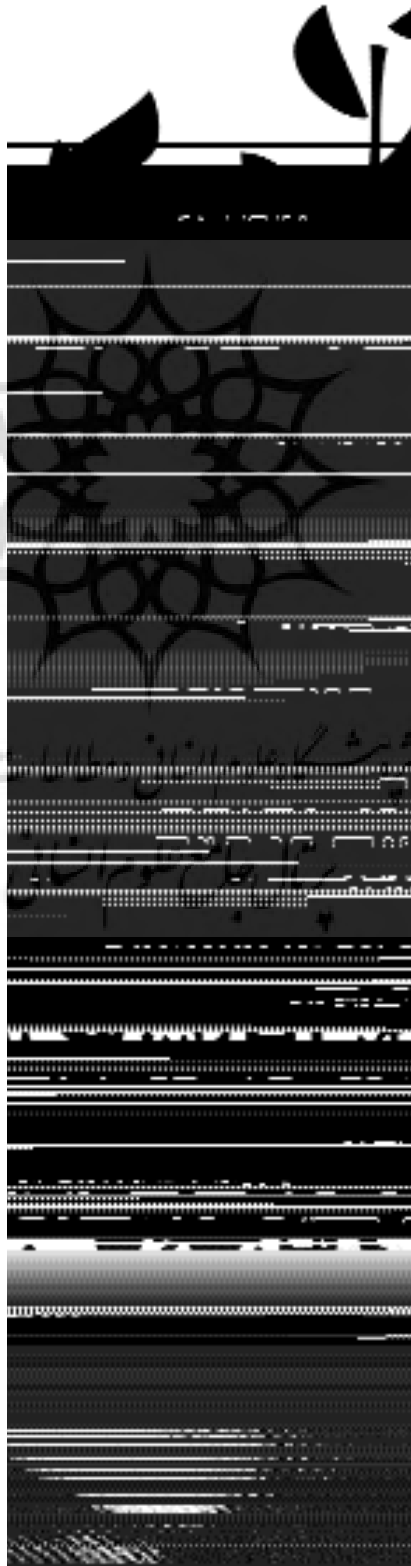
باری، از مجموع پرسشنامه‌های ارسالی، هفتصد و بیست و شش مورد آن تکمیل و بازگشت داده شد. گستره سنی پاسخ دهندگان، از ده تا هجده سال را در بر می‌گرفت.

ناولز، ولش *welsh* را به عنوان الگو برگزید و به کار گرفت، اما پرسش‌های خود را به پنج سؤال زیر محدود کرد: نویسنده محبوب شما کیست؟ تازگی‌ها کدام یک از کتاب‌های او را خوانده‌اید؟ (تا سه عنوان را ذکر کنید)، چه نویسنده یا نویسندگان دیگری را دوست دارید؟ (تا سه نویسنده را نام ببرید)، چه مجله و روزنامه یا نشریه فکاهی و سرگرمی را می‌خوانید؟ چرا آن‌ها را دوست دارید؟ آیا مطالب یا کتاب‌های غیرداستانی (*nonfiction*) را می‌خوانید؟ در صورتی که می‌خوانید سه کتابی را که تازگی خوانده‌اید نام ببرید. ما هرگاه که بحث ایجاد کند، بدین پرسش‌ها باز خواهیم گشت.

پاسخ‌های مندرج در پرسشنامه‌های دریافتی ناولز، نمایانگر محبوبیت بی‌چون و چرای رولد دال *Roald Dahl*، در بین تمامی گروه‌های سنی مورد پرسش بود. در سنجش به عمل آمده از ۱۲-۱۰ گروه، ۲۴۶ پاسخ وجود داشت. از این میان، در ۲۶ پاسخ داستان‌های بزرگسالان برگزیده شده بود. (۱۸ پاسخ مربوط به دخترها بود)، ده پاسخ هم مخدوش و باطل بود. از آرای باقی مانده، ۸۰ رأی به دال، به عنوان محبوب‌ترین نویسنده تعلق گرفت و ایندیلایتون *Enid Blyton*، با ۳۴ رأی در جای دوم ایستاده بود. جای سوم، مطابق با نوع جنسیت، متفاوت بود. دخترها «کارولین کین *karolyn keene*» (نویسنده داستان‌های معمایی «نانسی درو *Nancy Drew*») نویسنده برتر سوم، و جودی بلوم *Judy Blume* را چهارم و نینا بادن *Nina Bawden* و فرانسیس پاسکال *Francine pascale* (نویسنده سلسله داستان‌های «تپه‌های دل‌انگیز بالا» را به اتفاق، نفر پنجم انتخاب کرده بودند. پسرها، فرانکلین دابلیو. دیکسون *Franklin W. Dixon*، نویسنده سلسله داستان‌های معمایی «پسران هاردی» را به عنوان نفر سوم و سی. اس لوئیس را به عنوان نفر چهارم و رابرت وستال *Robert Westall* و مایکل هاردکاسل *Michael Hardcastle* را مشترکاً به عنوان نفر پنجم برگزیده بودند.

در گروه سنی ۱۳ تا ۱۵ ساله، ۲۴۴ پرسشنامه به دست ناولز رسید که ۶۳ نفر از این میان، آثار بزرگسالان را برگزیده بودند. آثار برگزیده شده، متفاوت بودند و از آستن، برونته و دیکنز تا داستان‌های عامه‌پسند و وحشتناک جنایی و یا ملودرام‌های رمانتیک و عاشقانه را در برمی‌گرفت. ۹ رأی هم باطله بود. دال در میان این آرا نیز با ۴۵ رأی، اول شده بود. دختران، جودی بلوم را نفر دوم، بادن *Bawden* و کین را مشترکاً سوم، سی. اس. لوئیس را چهارم، تالکین *Tolkien* و

لوئیس دانکان *lois Duncan* را به اتفاق به عنوان نفر پنجم انتخاب کرده بودند. پسرهای سی. اس. لوئیس را دوم، فرانکلین دابلیو دیکسون را سوم، جون لیندگارد *Joan lindgard* را چهارم و بلایتون و تالکین را مشترکاً پنجم کرده بودند. به دنبال چنین افرادی، کسانی چون رابرت وستال، لئون گارفیلد *LeonGarfield* و نینا بادن قرار گرفته بودند. جون لینگارد، در میان دختران نیز هم چون پسران، محبوب بود و البته، نباید علاقه خوانندگان [دختر] به میچل مگورین *Michelle Magorian* و رابرت کرمیر *Robert cormier* را نادیده گرفت.



اما شگفت این جاست که گروه آخر که از همه گروه‌های دیگر، سن بیشتری داشتند، بین خوانندگان ۱۶ تا ۱۸ ساله، بشیرترین گزینه داستان‌های بزرگسال را نداشتند! از میان ۲۲۶ پرسشنامه استردادی، ۸۹ پاسخ در چارچوب ادبیات کودک و نوجوان، جای گرفته و طبقه‌بندی شده بود که در این میان، دال از جمع آراء، ۲۸ امتیاز کسب کرده بود. پاسخ دهندگان با جنسیت پسر، تالکین، کرمیر، سی. اس. لوئیس و اس. ای. هینتون *S.E. Hinton* را به ترتیب، به عنوان نویسندگان محبوب خویش برگزیده بودند در حالی که دختران، اس. ای. هینتون، جودی بلوم و رابرت کرمیر، اینید بلایتون و جان مارک را انتخاب کرده بودند. باید اذعان کرد که این مطالعه مقدماتی، فشرده‌تر از بررسی سالمون است.

با این همه، قرائن و شواهد بسیار گویایی در مورد عادات خوانش، همه گروه‌های سنی ارائه کرده است. داده‌ها و آماری که به تازگی فراهم آمده، یعنی داده‌های آماری از تحقیقات بعدی به دست آمده، بیانگر همخوانی قابل توجهی با یافته‌های یاد شده در بالاست.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- «واژگان گره‌گشای را در برابر *key lexical*» آورده‌ام که معمولاً به «واژگان کلیدی» ترجمه می‌شود که نادرست نیست، اما عین اصطلاح انگلیسی است. عبارت انگلیسی بدین قرار است: '... naming institutions provides us with a list of keylexical items'
- ۲- *concord* را برخی از زبان‌شناسان و فرهنگ‌نویسان، «مطابقت» ترجمه کرده‌اند. (دکتر محمدعلی حق‌شناس، فرهنگ معاصر «هزاره»)، در «فرهنگ توضیحی زبان‌شناسی کاربردی لانگمن» مطابقت در برابر آن آمده و در توضیح نوشته شده: «نوعی رابطه دستوری بین دو یا چند عنصر در یک جمله که در آن هر دو یا تمامی آن عناصر نشانگر مشخصه خاصی هستند. مثلاً در انگلیسی، فاعل سوم شخص مفرد، با فعل مفرد رخ می‌دهد و فاعل جمع، با فعل جمع می‌آید. یعنی بین آن‌ها تطابق شمار *number concord* وجود دارد... تطابق ممکن است برای حالت، جنسیت، شمار و شخص به کار برده شود.» (ترجمه و تألیف دکتر حسین وثوقی - دکتر سید اکبر میرحسینی، صفحه ۱۱۱) در فرهنگ دیگری نیز در این باره چنین آمده «مطابقت: مطابقت یعنی مطابقت و آهنگی یک عنصر دستوری با عنصر دستوری دیگر از نظر شخص و عدد، مانند مطابقت مسندلیه و اسناد در زبان فارسی از نظر اول شخص، دوم شخص، و سوم شخص مفرد و جمع. در این مورد، عبارات مطابقت نحوی، مطابقت صرفی، مطابقت دستوری و واژه‌های تطابق، مطابقت هماهنگی، توافق و تقارن نیز به کار رفته است.» (فرهنگ زبان‌شناسی و زبان‌آموزی، دکتر محمد فلاحی مقیمی صفحه ۷۲).
- ۳- آن چه در زبان‌شناسی ساختار گرای سوسوری و تحلیل «در زمانی بدان اهمیت چندانی نمی‌دهند (م).
- ۴- در این جا فرهنگ‌نگاران این مجموعه، به نوعی بازی زبانی دست زده‌اند؛ زیرا *COBUILD* خود مرکب از حرف اول واژگانی است که عنوان «فرهنگ» را می‌سازد. *Collins Birmingham university international language Database* که در فرهنگ‌های موجود، معادلی برای آن نیافتم. اما شاید بتوان آن را «هم‌ریخت» یا «هم‌ساخت» ترجمه کرد (م).
- ۵- در پایان نام خاص، حالت ملکیت را می‌رساند و هرگاه بدون ذکر متعلق آن، آورده شود، بر «خانه»، «مغازه» و... دلالت می‌کند. این که در مورد یک قدیس، چه باید می‌آوردیم، نمی‌دانم. شاید منظور «دل‌بستگی»‌های او بوده باشد. به هر حال، «بارگاه» را آوردم که درست یا نادرستش را نمی‌دانم. (مترجم)
- ۶- *grammer school* آن گونه که (از فرهنگ‌ها برمی‌آید، فرهنگ هزاره علی محمدحقی‌شناس)، در آمریکا به مدارس ابتدایی (دبستان) می‌گویند که با متن موجود همخوان نیست. (م)